

# مجموعه مباحث اخلاقی

**بسیار امور را به او  
این است معنای توکل**

استاد معظم  
حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

شماره: ۳۹

---

۲۰ ربیع الأول ۱۴۲۷

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين  
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

« يا من إذا سأله عبدٌ أعطاه وإذا أمّل ما عنده بلّغهُ مُناه وإذا أُقْبِلَ عليه  
قَرَّبَهُ وأدْنَاهُ وإذا جاهَرَهُ بالعِصيانِ سَتَرَ على ذَنبِهِ وَعَطَّاهُ وإذا توَكَّلَ عليه أَحْسَبَهُ  
وكفاهُ » .

در این عبارات در حد فهم واستعداد تأمل کردیم ، و رسیدیم به این  
قسمت ؛ « و إذا توكل عليه احسبه وكفاه » . در این عبارت نکات بسیار جالب و  
قابل تأمل با نقش تعیین کننده در زندگی همه افراد وجود دارد .

اهل معرفت معمولاً منازل ده گانه ای را برای سلوک ذکر می کنند که هر  
منزلی دارای مراتبی است . توکل در این سلسله جزء معاملات محسوب  
می شود . توکل در اصطلاح فقهی حکایت از یک رابطه بین وکیل و موکل دارد .  
به عبارت دیگر در وکالت ؛ انسان کاری را به کسی واگذار می کند ؛ که او  
صلاحیت خاصی در سرپرستی آن مسأله دارد . حال اگر کسی به خدا توکل  
کند در واقع امور خود را به موجودی واگذار کرده که اعلم و افضل از هر وکیل

دیگری است .

در سلسلهٔ منازل ده گانه که برای سلوک بیان می‌شود، بعد از توکل مرتبه و درجهٔ تفویض است، بعد از آن نوبت به درجهٔ ثقه و اطمینان می‌رسد، و در پایان مرحله تسلیم و رضا است . طی کردن این مراحل هر یک مترتب بر دیگری است . یعنی اگر کسی به درجه ثقه و اطمینان نرسد؛ قادر به درک مرحله تسلیم نخواهد بود! انشا الله به قدر توان در این مجال با تأکید بر مفهوم توکل سخن خواهیم گفت .

آنچه که در آیات کریمهٔ قرآن بیشتر جلب نظر می‌کند این است که اغلب ثمره و میوه توکل، ایمان ذکر شده است . و یا در بعضی دیگر از آیات؛ خداوند از مردم می‌خواهد برای ثبات ایمان خود بر خداوند توکل کنند . خداوند می‌فرماید :

﴿ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴾<sup>(۱)</sup> .

به خداوند توکل کنید اگر به خداوند ایمان دارید .

و در آیه دیگری می‌فرماید :

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ

آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴾<sup>(۲)</sup> .

۱ - سوره مائده، آیه ۲۳ .

۲ - سوره انفال، آیه ۲ .

مؤمنان تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود دل‌هایشان ترسان می‌گردد و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می‌شود، ایمانشان فزونتر می‌گردد، و تنها بر پروردگارشان توکل دارند.

﴿إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ﴾ (۱).

اگر شما به خدا ایمان آورده‌اید به او توکل کنید اگر تسلیم فرمان او هستید. در آیاتی که ذکر شد؛ خداوند از بندگان می‌خواهد به او توکل کنند. در واقع خداوند می‌فرماید؛ توکل ثمره و میوه‌ای است که بر شاخسار ایمان می‌نشیند و بار می‌دهد.

### مفهوم توکل

برای آغاز بحث لازم است از اصل مفهوم توکل آغاز کنیم و به واکاوی این مفهوم بپردازیم. بعد از آن نیز به ذکر روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام برای بررسی ابعاد مختلف آن بپردازیم.

توکل؛ به زبان ساده فارسی عبارت از واگذاری امور شخصی به کسی دیگر است. معمولاً باید وکیل یک جنبه اقوائیت داشته باشد. در مشکلات و مسائل حقوقی و قضایی افراد برای حفظ منافع و دفاع از حقوق خود، وکیل انتخاب می‌کنند. علت آن است که وکیل؛ به موازین حقوقی آشنا تر از موکل

۱ - سوره یونس، آیه ۸۴.

است و راه‌های مختلف قانونی را می‌شناسد، و این آشنایی جنبه اقوائیت اوست و او را برای انجام این کار شایسته می‌سازد. حاصل این توکیل جلب منفعت برای موکل است. یعنی وکیل به موکل کمک می‌کند تا بتواند در فلان معامله یا فلان دعوای حقوقی موفق شود، و ضعف فرد و عدم آشنائی امور باعث از دست رفتن منافع و مصالح انسان نشود.

پس نکتهٔ دیگر در وکالت این است که موکل به دلیل عجز خود؛ اقدام به گرفتن وکیل می‌کند. حال این عجز یا بخاطر نداشتن تجربه و دانش خاص است؛ و یا به خاطر نداشتن وقت و زمان کافی برای انجام عمل، اما در هر حال مسأله عجز (به هر دلیلی) وجود دارد که انسان شخص دیگری را وکیل می‌کند.

در خصوص توکل به خدا نیز این گونه است. یعنی انسان به خاطر عجز خود، امورش را به خداوند واگذار کند. اهل معرفت توکل را این طور معنا می‌کنند.

«والتوکل إلى الله یعنی انقطاع العبد إليه في جميع ما يعمله المخلوقين» (۱).

توکل به خداوند؛ یعنی در همهٔ کارهایی که بندگان انجام می‌دهند، عبد

---

۱- این تعریف از معارف اهل بیت علیهم‌السلام و احادیث گرفته شده است. بعنوان نمونه می‌توانید برای تحقیق بیشتر به، اصول کافی جلد ۲ صفحه ۶۳ - ۶۵، مراجعه فرمائید.

تنها رو به سوی خداوند داشته باشد [امید به غیر خداوند نداشته باشد]. این بریدگی و جدایی باید از هر آنچه مخلوق است و اصالت ندارد، باشد. به عبارت دیگر؛ اگر ما تمنا و آرزویی داشته باشیم؛ و در ظاهر آن را نزد مخلوق و غیر خدا می‌بینیم؛ توکل عبارتست از واگذاری مطلوبها به خداوند. توکل یعنی خداوند را وکیل کنیم تا این آرزوها و تمنیات را برای ما تدارک کند.

### هستی آفرینش از اوست

بنابر این اساس بحث در توکل، معرفت خالق و شناخت دستگاه آفرینش است. اگر بیشتر دقت کنیم در می‌یابیم که ناموس خلقت و اساس آفرینش این گونه است که همه وجود از آن خدا است. سر سلسه هستی در دست خداوند است. انسان حتی مالک نفس خود نمی‌باشد. تمام آنچه در اختیار انسان است بطور امانت به او واگذار شده است. لذا است که در آخرت باید در خصوص نحوه استفاده و بهره برداری از آن توضیح بدهد. مسئولیتی که در آخرت متوجه انسان است ریشه در این مسأله دارد که انسان مالک حقیقی هیچ چیز نیست. کسی که حتی به کوچکترین عضو بدن خود آسیبی رسانده باشد؛ باید پاسخگو باشد.

همگی، عالم به این مسأله هستیم، و بارها آنرا برای خود و دیگران

بازگو کرده‌ایم که هر چه هست از او است. اما علیرغم تمام این دانایی قادر به درک حقیقی دستگاه آفرینش و خلقت نمی‌باشیم. علّت اساسی این است که خواهشهای نفسانی یک حجاب اکبر و اعظم است! و مانع درک بسیاری از حقایق دستگاه خلقت می‌گردد. لذا پی در پی می‌دویم و تلاش می‌کنیم (البته خود تلاش اشکال ندارد) از راههای غیر معمول و غیر مشروع برای دستیابی به هدف غیر واقعی هزینه‌های متفاوت می‌نمائیم. چیزی را در جایی دنبال می‌کنیم که آنجا نهاده نشده است، و در واقع در پی کالایی هستیم که در آن جا وجود ندارد. مثلاً برای دستیابی به عزّت به دنبال ثروت می‌رویم. در حالی که عزّت، ثروت، قدرت و شوکت نزد مخلوق نیست؛ نزد خالق است و بس! برای اینکه عزّتمند شویم خود را نزد صاحبان قدرت، ذلیل می‌کنیم. برای اینکه ثروتمند شویم نزد صاحبان ثروت تکدی می‌کنیم!!!

ثروت و قدرت و عزّت نزد مخلوق نیست که آنجا آنرا جستجو کنیم. آنچه نزد اوست موقّتی است و زود گذر. در واقع آن ثروت و قدرت، غنا و بی‌نیازی برای صاحب خود به ارمغان نمی‌آورد. چون این قدرت و ثروت بی‌اصلت است، و به سرچشمه حقیقی متّصل نیست. برای بی‌نیازی باید غنا را نزد بی‌نیاز حقیقی، جستجو کرد. غنیّ یکی از اسماء الهی است. یا غنیّ در ادعیه بسیار تکرار گردید. غنیّ مطلق، که همهٔ سرمایه‌ها و کمالات و خیرات نزد اوست، خدای متعال است.



مجدداً تکرار می‌کنم که؛ ما ظاهراً به تمام این معانی واقف هستیم؛ اما اغلب در عمل ناتوانیم، و برای کوچکترین امور هم توانایی توکل و واگذاری امور را به صاحب اصلی آن نداریم. علت، همان امیال نفسانی است. این تمنیات و خواهشها بین ما و حقیقت؛ حجابی ایجاد می‌کند و این پرده، عالم و نادان را در عمل برابر می‌سازد. این حجاب توانایی نفس را در تحصیل یقین از بین می‌برد.

یکی از نکاتی که در باب عصمت قبلاً گفتیم این بود که چون زشتی گناه، دنائت و پستی گناه، نزد معصوم علیه السلام مبرهن است، لذا هرگز مرتکب نمی‌شود. در مقام مثال گفتیم مانند اینکه ما اکنون به وجود سم مهلکی در غذا آگاهی داشته باشیم، هرگز حاضر به خوردن آن نمی‌باشیم. زیرا علم به حقیقت و واقعیت آن غذا داریم که موجب مرگ است. حقیقت و ماهیت گناه، نزد معصوم علیه السلام مانند آگاهی ما به غذای سمی و خوردن سم نزد ما می‌باشد. همانگونه که ما هرگز تخیل هم نمی‌کنیم که تلی از خبائث و نجاسات را یک جا جمع کنیم، و بعد استفاده کنیم. معصوم علیه السلام هم به علت درک حقیقت و عدم وجود حجاب بین او و واقعیت امور و کائنات، هرگز فکر معصیت را هم نمی‌کند.

اگر کمی به حقیقت آفرینش توجه کنیم، و آرام آرام خود را به منبع اصلی متصل کنیم، آنگاه هر چه را که تمنا و آرزو می‌کنیم از خدا می‌خواهیم، و

به راههای انحرافی دچار نمی‌گردیم. هر چه در این عالم خلقت وجود دارد از آن خداوند است. آیه شریفه ظاهراً رسول الله ﷺ را که اشرف مخلوقات است مخاطب می‌سازد و می‌فرماید:

﴿لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ﴾<sup>(۱)</sup>.

هیچ‌گونه اختیاری برای تو نیست.

و در آیه دیگر می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾<sup>(۲)</sup>.

بگو من (حتی) برای خودم سود و زیانی را مالک نیستم، مگر آنچه خدا بخواهد.

آیه شریفه پیامبر ﷺ را که بنده برگزیده خداوند متعال است مخاطب می‌سازد و به او می‌فرماید که: تو هیچ‌گونه اختیاری نداری. در این حالت حساب دیگر بندگان که از پیامبر ﷺ در مراتب پائین‌تری هستند، روشن خواهد بود. بنابر این معنای توکل این است که انسان هیچ چیز را از آن خود نداند، و در نتیجه اداره تمام امور را به صاحب اصلی آن واگذار کند. نکته دیگری در مسأله توکل به خداوند سبحان در مقایسه با مسأله توکیل در روابط انسانی وجود دارد. هنگامی که ما فردی را وکیل می‌نمائیم، در

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۲۸.

۲- سوره یونس، آیه ۴۹.

واقع ما سیطره و سلطان و مالکیت خود را به شخص دیگری واگذار می‌کنیم، در حالی که مفهوم واقعی توکل به خداوند این است که واقعاً بپذیرد که ما هیچ اختیاری نسبت به آنچه در دستان هست، نداریم. و هر چه هست از آن خداست.

در تبیین مفهوم توکل از امام صادق علیه السلام منقول است که:

« قال علیه السلام : ليس شيء إلا وله حدٌّ قال : قلت : جعلتُ فداك فما حدُّ التوكل ؟ قال : اليقين ، قلت : فما حدُّ اليقين ؟ قال : ألا تخاف مع الله شيئاً » (۱).

حضرت فرمودند: هیچ مفهومی نیست مگر آنکه دارای تعریف و حدود مشخص می‌باشد. راوی سوال می‌کند: فدایت شوم! تعریف توکل چیست؟ حضرت پاسخ می‌دهند: توکل به معنای یقین است. راوی مجدداً سوال می‌کند، تعریف یقین چیست؟ حضرت می‌فرمایند: یقین این است که از هیچ چیز جز خداوند ترسی نداشته باشی!

اگر کسی به این مرتبه از معرفت رسیده باشد که جز خدا نبیند، در واقع به معنای تمام کلمه مفهوم توکل را درک کرده؛ و به آن عمل نموده است. به عنوان مثال عمل امیرالمؤمنین علیه السلام در لیلۃ المبیت نمونه عالی از دست یافتن به درجه یقین است. حضرت کاملاً می‌دانستند که چهل نفر از

۱- اصول کافی، جلد ۲ ص ۵۷.

قبایل مختلف قصد دارند شبانه به خانه رسول الله ﷺ حمله کنند، و او را در بستر قطعه قطعه کنند. اما ایشان با ایمان و یقین کامل در بستر حضرت خوابیدند.

نمونهٔ دیگر مادر حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام است. او فرزند خود را در نیل رها کرد. در واقع او با توکل به خدا و یقین به مساعدت او این عمل را انجام داد. البته خداوند هم این توکل را با حفاظت از موسی عَلَيْهِ السَّلَام و بازگرداندن او به مادرش به طور شایسته‌ایی پاسخ داد. این گونه رفتار، نشان از ایمان راسخ و رسیدن به درجهٔ بالای یقین و توکل تام و تمام به رب العالمین است.

عزیزانی که در محضرشان هستیم، اینان که سالها قبل مسیر خاصی را برای زندگی انتخاب کرده‌اند. بعضی ده سال و بعضی دیگر بیشتر، سرمایه عمر را برای آموختن معارف اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام هزینه کرده‌اند. اگر توکل را در خود تقویت کنند، قطعاً به آفتابی که اکنون حوزه و حوزویان به آن گرفتار هستند، دچار نخواهند شد. افرادی که سالها در حوزه تحصیل کرده‌اند و زمان ثمر دهی آنان فرا رسیده است به یک باره به جایی دیگر می‌رود و مشغول فعالیت غیر علمی و غیر حوزوی می‌گردند. وقتی از این افراد سوال می‌کنیم که چرا تحصیل و فعالیت دینی را رها کردید؟ می‌گویند هزینه‌ها و مخارجمان سنگین بود.

اگر قرار به تلاش مضاعف می‌باشد، چرا این تلاش در کنار خوان کرم

حضرت بقیة الله علیه السلام نباشد؟ واقعاً رزقی که انسان از این راه تحصیل می‌کند، جوابگوی نیازها نمی‌باشد؟ نفرومائید که شما به مشکلات وقوف ندارید! همگی می‌دانید که به تمامی مسائل و مشاکل شما واقف هستیم. اما نکته اساسی این است که اگر از صمیم قلب به آیه شریفه،

﴿ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ﴾ (۱).

و هر کس بر خدا توکل کند کفایت امرش را می‌کند؛ و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد.

ایمان داشته باشیم، هرگز به این سفره با برکت حضرت بقیة الله علیه السلام

پشت نخواهیم کرد. شخصی از امیرالمؤمنین علیه السلام سوال نمود:

« لو سُدَّ عَلَى رَجُلٍ بَابُ بَيْتٍ وَتَرَكَ فِيهِ مِنْ أَيْنَ كَانَ يَأْتِيهِ رِزْقُهُ؟

فَقَالَ علیه السلام : مَنْ حَيْثُ يَأْتِيهِ أَجَلُهُ » (۲).

اگر در خانه کسی بر او بسته شود و در خانه تنها رها شود؛ از کجا، رزق و روزی او فراهم می‌گردد؟ حضرت فرمودند: رزق او از همان جایی می‌آید که اجل و مرگ او وارد می‌گردد!

امام علیه السلام در این روایت تأکید می‌کند که خداوند متکفل رزق و روزی

افراد است. همگی ما مشکلات مالی را تجربه کرده‌ایم و همگی هم بارها و

۱- سوره طلاق، آیه ۳.

۲- بحار الأنوار جلد ۶۷، صفحه ۱۴۶.

بارها دیده‌ایم که چگونه از مسیرهایی که هرگز فکر نمی‌کردیم، مسائل حل شده است. لذا باید بکوشیم ایمان و معرفت را در خود، تقویت کنیم و الا با کوچکترین حادثه‌ای به این سو و آن سو خواهیم رفت.

عزیزان باید توجه داشته باشند که اکنون میراث دار بزرگانی هستند که حوزه را از طوفان‌های بسیار سخت نجات داده‌اند. در دوره رضاخان طلاب لباس خود را عوض می‌کردند و برای مباحثه شبانه به باغات اطراف قم می‌رفتند. علیرغم سختی‌های بسیار زیاد تحصیل را رها نکردند. رضا خان مرحوم بافقی رضوان الله تعالی علیه را در صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام با چکمه لگد مال کرد. آنچه امروز در اختیار ماست میراث بزرگانی چون حاج شیخ<sup>(۱)</sup> است، باید بکوشیم میراث داران شایسته‌ای برای آنان باشیم. آنان مشکلات اقتصادی بسیار سخت‌تر و مصائب بسیار دردناک‌تری را تحمل کردند و تسلیم مادیات نشدند و سفره بقیة الله علیه السلام را رها نکردند.

کسی که به این نعمت پشت کند و یا به نا حق از این نعمت بهر مند گردد دچار عقوبت سختی خواهد شد. صرف نظر از عقوبت اخروی در این دنیا هم دچار گرفتاری‌های خاصی می‌گردند. کسی که به این سفره پشت کند، بهره معنوی و شیرینی عبادت و لذت مناجات و توسل از او گرفته می‌شود. دیگر نه از اتیان واجبات لذت می‌برند و نه از به جا آوردن مستحبات بهر مند

۱- مرحوم آية الله العظمى آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم.

می‌گردند . خداوند وعده داده بنده‌ای که به علم خود عمل نکنند در دنیا و آخرت گرفتار انتخاب نادرست خود گردد .

«وأوحى الله تعالى إلى داوود عليه السلام أن أهون ما أنا صانعٌ بعبدي غير عامل بعلمه ، من بعد سبعين عقوبةً باطنيةً أن أخرج من قلبه حلاوة ذكرى» (۱) .

خداوند به داوود عليه السلام وحی نمود که کمترین کاری که من با بنده‌ای که به علم خود عمل نمی‌کند انجام می‌دهم این است که بعد از کیفر کردن او به هفتاد نوع عقوبت باطنی . شیرینی نیایش و عبادت خود را از او می‌گیرم . انشاء الله دوستان و عزیزان با کسب معرفت و توکل در مسیری که انتخاب کرده‌اند ثابت قدم بمانند .

«والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته»

۸۵/۱/۳۰

۱ - علة الداعي صفحه ۷۸ .

... آنان مشاکل اقتصادی بسیار سخت تر و مصائب بسیار دردناک تری را تحمل کردند و تسلیم مادیات نشدند و سفره بقیة الله علیه السلام را رها نکردند. کسی که به این نعمت پشت کند و یا به ناحق از این نعمت بهرمنند گردد دچار عقوبت سختی خواهد شد. صرف نظر از عقوبت اخروی در این دنیا هم دچار گرفتاری های خاصی می گردند. کسی که به این سفره پشت کند، بهره معنوی و شیرینی عبادت و لذت مناجات و توسل از او گرفته می شود. دیگر نه از اتیان واجبات لذت می برند و نه از به جا آوردن مستحبات بهرمنند می گردند.

محل برگزاری جلسات :

چهار راه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹